

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۱ • ۵ شعبان ۱۴۴۴ • ۲۶ فوریه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۰۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۷ • اذان مغرب ۱۸:۰۴
اذان صبح فردا ۵:۱۴ • طلوع آفتاب ۶:۳۸

شرق

دیالوگ روز

بهرام بیضایی، خاطرات هنرپیشه نقش دوم (۱۳۶۲)

ما اعتراف می‌کنیم که از ما بازیگران بهتری هستند، بازیگرانی که صحنه‌شان خیابان است و مخاطب‌شان جمع اجتماع.

بازیگرانی که می‌گویند و می‌گویند از باطل و حق و از واقع و مجاز و در این میانه اگر خوب بنگری فقط اجساد واقعی است.

ما حظور بازی کنیم با دست این‌همه خالی، با دهان این‌همه در بند؟ سرابی این چنین فریب؟ راست‌هایی این‌همه دروغ؟

به بهانه روز زبان مادری

در ستایش باهم بودن

شهاب‌الدین فرخ‌باز، روز زبان مادری است و باز بی‌بی‌سی فارسی به روال هر سال در حال شلسلتاق است با گزارشی تکراری با این عنوان که چگونه سیاست تک‌زبانی در ایران حقوق زبان‌های دیگر را پایمال کرده است. به نظر خوب است که هرکس در هر کجای جهان بتواند هر کاری که دلش خواست بکند؛ ازجمله اینکه به هر زبانی که خواست آموزش ببیند. انگلیس‌ها اما این توصیه را در زمان‌های مختلف به شکل‌های گوناگون اجرا کرده‌اند. آنها در سراسر قرن‌های ۱۸ و ۱۹ و حتی اوایل قرن ۲۰ از این توصیه چنان استفاده می‌کردند که هیچ‌کس در هیچ کجای جهان حق نداشت به زبانی غیر از انگلیسی صحبت کند و پس از آنکه تا حدود زیادی به این توفیق دست یافتند که زبان انگلیسی را با استفاده از رذیلانه‌ترین روش‌ها به زبان اول تجارت و سیاست بدل کنند، با برداشت دیگری از این گزاره که هرکس باید بتواند آزادانه هر کاری که خواست بکند و به هر زبانی که خواست سخن بگوید، وارد مرحله دوم اهداف خود شده‌اند و با صورتکی حقوق‌پشری، پرچم دفاع از حقوق اقلیت‌های زبانی و قومی را به دست گرفته‌اند و متأسفانه کم هم نیستند کسانی که یا در دام این حيله می‌افتند یا اصولاً بخشی از ابزار توطنه می‌شوند. انگلیس‌ها البته در این میدان تنها نبوده و نیستند و در دوره‌های مختلف کشورهای مختلفی ازجمله روسیه و ترکیه شیوه‌های وحشتناکی برای یکدست‌سازی زبان و ملیت در اطراف ما طراحی و اجرا کرده‌اند؛ اما همه از روی دست بزرگ‌ترشان انگلیس عمل کرده‌اند و در یک چیز با هم متفق بوده‌اند؛ ناپودی ایران و از میان بردن زبان فارسی و فرهنگ ایرانی و این در حالی است که ایران در طول تاریخ خود یکی از قدیمی‌ترین و طبیعی‌ترین ملت‌ها و زبان‌ها را داشته بدون آنکه زبان یا هویتی را بر کسی تحمیل کرده باشد. زبان فارسی در تمام زمان‌های بالندگی و گسترش و شکوفایی خود هرگز به زور سرزنبزه و سیاست گسترش نیافته؛ اما همواره با زور سلاح و نیروی نظامی از جانب انگلیس‌ها، روس‌ها و پان‌ترک‌ها محدود و محدودتر شده و امروز همچنان طمع‌شان برای از میان بردن هسته مرکزی و آنچه از آن عظمت بی‌همتا باقی مانده، تازه است؛ درحالی‌که تاریخ پیدایش هرکدام را که نگاه می‌کنی، چنان ناچوندارانه است که انسان از این‌همه نازمدمی به حیرت می‌افتد. درباره روس‌ها و ترک‌ها در این اواخر شاید بیشتر شنیده باشیم که چگونه میلیون‌میلیان انسان را قتل‌عام کردند تا دولت بسازند یا در تقسیمات شوروی چگونه نقش نمایان از ایرانیت بود، زدودن و با همکاری ترک‌های آتاترکی در خاستگاه زبان فارسی یعنی بخارا کار را به جایی رساندند که هرکس که به پارسی سخن می‌گفت، باید مبلغی جریمه می‌پرداخت.

این مشق‌ها از روی دست بزرگ‌ترشان انگلیس‌ها بود و این سرمشق‌ها را با کمی تحقیق و حوصله می‌توان در هر جای جهان و به‌وفور یافت؛ ولی در همین جهان به‌ظاهر مرتب و پیوسته و پر از اطلاعات، چرا کمتر کسی از آموزه‌ها و سیاست‌های دولت انگلیس که اکنون بی‌بی‌سی‌اش برای زبان مادری یقه می‌درند باخبر است؟ و چرا کسی درباره شیوه‌های نژادپرستانه و هولوکاست‌گونه این دولت چیزی نمی‌گوید یا به خاطر نمی‌آورد؟ به‌راستی چرا امروز کمتر کسی می‌داند و خیر دارد که این انگلیس ناگهان متمدن شده و کشته و مرده حقوق زبانی و حتی گویشی ملت‌ها و اقوام دیگر، زمانی نه‌چندان دور با مردم ولز که بخشی از بریتانیا بود، چه رفتارهایی کرده است. سیاست تحمیل زبان انگلیسی در بریتانیا تا اوایل قرن بیستم چنان بود که هیچ‌کس اجازه نداشت به‌جز زبان انگلیسی از زبان دیگری استفاده کند. منظور از استفاده از زبان دیگر نه آن است که مثلا به زبان دیگر آموزش ببیند یا در کنار زبان انگلیسی، زبان خود را هم در مدارس بخواند یا روزنامه منتشر کند. در مدارس ولز قانون چنان بود که هر کودکِ اگر با همکلاسی کناری‌اش به زبان ولزی سخن می‌گفت، دچار چنان تنبیه روحی و روانی می‌شد که نظیر آن را با رفتار نازی‌ها با یهودیان می‌توان مقایسه کرد. انگلیس‌ها برای تغییر زبان مردم ولز و کودکان ولزی در مدارس تابلویی چوبی طراحی کرده بودند که روی آن دو حرف W و N مخفف Welsh به معنی «زبان ولزی نه» نوشته شده بود که اگر یکی از کودکان کلاس حتی با همکلاسی‌اش به زبان ولزی چیزی می‌گفت، این تخته را با زنجیر همراه آن به گردنش می‌انداختند و اسباب شرم‌ندگی و انگشت‌نمایش‌نش را فراهم می‌آوردند تا بداند جز زبان انگلیسی نباید از زبان دیگری استفاده کند. این تابلو بر کردن آن کودک آن قدر می‌ماند تا کودک دیگری مرتکب این خطای نابخشودنی شود و به زبان مادریش چیزی بگوید و در آن صورت تابلو را از گردن کودک اول می‌گرفتند و به گردن کودک دوم می‌انداختند و اگر نفر سومی پیدا نمی‌شد، این تابلو تا پایان کلاس همچنان بر گردن این کودک می‌ماند. در گزارش‌هایی که از رفتارهای معلمان انگلیسی با کودکان ولزی منتشر شده، از تنبیهات بدنی شدیدی نیز با این کودکان مجرم حتی در مواردی که آنها لباس‌های محلی ولزی به تن می‌کردند، سخن رفته است. درباره تاریخ دولت و ملت‌سازی کشورهایمانند انگلیس، روسیه، ترکیه و حتی آمریکا و امروزه چین و این جمهوری‌های ساختگی دوران شوروی بسیار می‌توان گفت و نوشت و کمی اندیشد که چرا در این روز به‌اصطلاح زبان مادری به جای آنکه به سرزنش این مجرمان بزرگ و یافتن راهی برای جبران جنایت‌های آنها پرداخته شود، آنها از این روز همچنان به‌عنوان امکانی برای ادامه سیاست‌های نژادپرستانه و نازیستی خود بهره می‌برند.

جای تأسف آن است که گاهی برخی از هم‌وطنان به‌ظاهر فرهنگی متأثر از آزادی‌های حقوق‌بشری نیز با اینها همراه می‌شوند و برای آنچه آنها مدعی‌اند، اشک تمساح می‌ریزند؛ درحالی‌که انصاف و عدالت حکم می‌کند هر سال در سالگرد زبان مادری انجمنی برای گفت‌وگو و پژوهش دربارین‌ها به‌خطرگی هر روز و در حقیقه ما را تاخندنی می‌کند، برپا شود تا همه بدانند بر ما چه گذشته است و دیگران چگونه بر میراث ما خیمه زده‌اند و هر روز بخشی از آن را به تاراج می‌برند. مردم ایران باید بدانند اینها امروز همه با هم در طراحی تابلویی به نام «نه زبان فارسی» متجد شده‌اند و با پاک‌کردن تاریخ پر از وحشت خود که همه مبتنی بر ستم و اجبار و زورگویی است، قصد کرده‌اند بنیان ما را برفاکنند. کاش ما یکپارچگی‌مان را از دست ندهیم و از آنچه بر ما گذشته است و می‌گذرد، نیک آگاه باشیم.



ابراهیم ایوبی

وکیل دادگستری

در گذشته هفتم اسفند -که توسط وکلای دادگستری به مناسبت سالگرد تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به نام روز «وکیل‌مدافع» نام‌گذاری شده- برای مردم عادی شناخته‌شده نبود، اما تماس تلفنی و ارسال پیام تبریک موکلین نشان می‌دهد این روز برای بخش‌هایی از جامعه رسمیت دارد. جالب اینکه حتی حسن روحانی که خود دارای پروانه وکالت از کانون وکلای دادگستری مرکز است، در دوران ریاست‌جمهوری با وجود قول مساعدی که در مراسم جشن استقلال سال ۱۳۹۵ داد، نتوانست نظر اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی را برای ورود این روز به تقویم رسمی جلب کند؛ این بود دوستی با جامعه وکالت تنها محدود به ایران نیست و در دیگر کشورها هم کم‌وبیش وجود دارد. انعکاس این موضوع در فیلم‌ها و سریال‌ها قابل مشاهده است؛ برای نمونه می‌توان به فیلم «وکیل‌مدافع شیطان» ساخته تیلور هاکفورد اشاره کرد. البته استثنائاتی در این تصویرسازی دیده می‌شود که می‌توان به سریال «خانه سبزه» یا بازی درخشان شادروان خسرو شکیبایی در نقش وکیل‌مدافع اشاره کرد. «وکیل خوب، همسایه بد است.» یک ضرب‌المثل رایج در غرب است و در ایران با عبارتهایی نظیر «ادم زنده وکیل و وصی نمی‌خواهد» آشنا هستیم. با این حال نباید نقش رفتارهای غیرحرفه‌ای بعضی از همکاران را در این گونه ذهنیت‌ها نادیده گرفت؛ به قول خواجه عبدالله انصاری «اگر کاستنی تلخ است از بوستان است».

در زمان شروع به کار رؤسای قوه قضائیه، رسم است

جهان‌خوانی

بمب هسته‌ای به‌جای غذا

شکی وجود ندارد که مسئله مزم‌ن کمبود غذا در کره شمالی به دلیل همه‌گیری کووید۱۹ بدتر شده است. همچنان که رهبران ارشد این کشور برای بحث بر سر «وظیفه بسیار مهم و فوری» تدوین یک سیاست درست در حوزه کشاورزی آماده می‌شوند، گمانه‌زنی درباره ناامنی غذایی مزم‌ن در این کشور تشدید شده است. به گزارش آسوشیتدپرس، گزارش‌های تایید‌نشده حاکی از آن است که تعداد نامشخصی از مردم در کره شمالی بر اثر گرسنگی درحال از‌دست‌دادن جانشان هستند. اما کارشناسان می‌گویند نشان‌های از وقوع مرگ‌ومیر دسته‌جمعی یا قطعی در این کشور وجود ندارد. آنها می‌گویند که نشست بعدی حزب حاکم کره شمالی احتمالاً به قصد تقویت حمایت‌ها از کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی همچنان که برنامه تسلیحات هسته‌ای خود را با به چالش کشیدن فشارها و تحریم‌های شدید رهبری‌شده از سوی آمریکا پیش می‌برد، برگزار می‌شود.

لیم یول چول، استاد انستیتوی مطالعات خاور دور در دانشگاه کیونگ‌کمن سنول بیان کرده است: «کیم جونگ اون نمی‌تواند برنامه هسته‌ای خود را در صورت ناتوانی در حل اساسی مشکل غذا به‌طور پایدار پیش ببرد، چون حمایت عمومی از او متزلزل خواهد شد. این نشست با هدف تحکیم وحدت داخلی و جمع‌بندها برای رسیدگی به مسئله کمبود مواد غذایی تشکیل می‌شود».

برگزاری نشست عمومی فراگیر کمیته مرکزی حزب کارگران کره شمالی برای اواخر ماه فوریه برنامه‌ریزی شده است. هنوز دستور کار مشخص آن ناشناخته است اما پیش‌تر نهاد قدرتمند دفتر سیاسی حزب گفته بود «یک نقطه عطف نیاز است تا حمایتی فعال از تغییرات بنیادی برای توسعه کشاورزی رخ دهد».

این نشست اولین جلسه عمومی این حزب که فقط مختص به بحث در مورد مسائل کشاورزی است خواهد بود؛ اگرچه این موضوع اغلب به‌عنوان یک عنوان کلیدی در

جلساتی به منظور همدلی و همکاری بین رئیس جدید دستگاه قضا و مقامات کانون‌های وکلای دادگستری برگزار می‌شود. اما متأسفانه رفته‌رفته این همدلی رنگ می‌یازد و به نظر می‌رسد به تدریج نگاه غیردوستانه می‌شود. با وجود تأکیدهای حجت‌الاسلام غلامحسین محسنی‌آژه‌ای (هفتمین رئیس قوه قضائیه پس از انقلاب اسلامی) بر قانون‌گرایی در شروع به تصدی ریاست قوه قضائیه، حداقل در مورد وکلای دادگستری این مهم رعایت نمی‌شود. دیگر موضوع تبصره ماده ۴۸ قانون «آیین دادرسی کیفری» حتی برای مردم کوچه و بازار هم آشناست؛ اینکه در جرائم امنیتی در مرحله تحقیقات مقدماتی، طرفین پرونده باید وکلای خود را تنها از بین وکلای دادگستری مورد تأیید رئیس



هنر خوانی

هالیوود در بحران، واینستین در زندان

اسکرین؛ تهیه‌کننده پرنفوذ هالیوود یعنی «هاروی واینستین» تا آخر عمر در زندان خواهد ماند. او توسط یک قاضی لس‌آنجلس به دلیل تجاوز جنسی و سایر جرائم جنسی به ۱۶ سال زندان دیگر محکوم شد تا سال‌های باقی‌مانده از زندگی خود را در زندان سپری کند. این تهیه‌کننده و مدیر اجرایی سابق در دسامبر ۲۰۱۳ به دلیل یک مورد تجاوز جنسی و دو مورد تجاوز جنسی علیه یک مدل ایتالیایی معروف در هتل مستر سسی بولری هیزل در لس‌آنجلس مجرم شناخته شد و در نهایت به ۱۶ سال حبس دیگر محکوم شد. در این جلسه متهم به بی‌گناهی خود به دادگاه اعتراض کرد و گفت: «لطفاً مرا به حبس ابد محکوم نکنید. من سزاوار آن نیستم». او پیش از این مدعی شده بود پرونده علیه او ساختگی بوده است. این احکام به‌طور متوالی اجرا می‌شود، به این معنی که وی احتمالاً بقیه عمر خود را در زندان سپری خواهد کرد. او در حال حاضر در حال گذراندن حکم ۲۳ساله‌ای است که دادگاه نیویورک در مارس ۲۰۲۰ صادر کرده است. او در مجموع با ۳۹ سال محکومیت رویه‌رو است که معادل حبس ابد برای این تهیه‌کننده ۷۰ساله است. «واینستین» توسط ده‌ها زن به آزار و اذیت جنسی متهم شده است. از زمان افشای این اتهامات در اکتبر ۲۰۱۷ در نیویورک‌تایمز، او هر گونه تخلفی را رد کرده است. ماجرای رسوایی اخلاقی «هاروی واینستین» که اولین بار توسط هفته‌نامه نیویورک فاش شد، آغاز جنبش «می‌تو» در هالیوود را موجب شد که هدف آن افزایش توجه به شیوع سوء‌استفاده جنسی از زنان در سینمای هالیوود است. «واینستین» در ابتدا یکی از بنیان‌گذاران کمپانی «میرامکس» بود که ساخت فیلم‌های موفق و مستقلی همچون «داستان عامه‌پسند» را در کارنامه داشت و سپس به همراه برادرش «باب» در سال ۲۰۰۵ کمپانی فیلم‌سازی «واینستاین» را راه‌اندازی کردند.



● پروژه تونل انتقال آب کانی‌سیب به دریاچه ارومیه که مشکل از تونل ۳۶کیلومتری و کانال ۱۱کیلومتری است و قابلیت آبرسانی حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب به دریاچه ارومیه را در سال دارد، جمعه پنجم اسفند به بهره‌برداری رسید.
عکس:علی ارسلانی، ایرنا

روز وکیل مدافع؛ مناسبتی که در تقویم جایی ندارد

بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار کتابی با عنوان «تقریرات مصدق در زندان درساره حوادث زندگی خویش» منتشر کرده است. در یادداشتی که ایرج افشار در ابتدای این اثر نگاشته، توضیح می‌دهد که چگونه سرهنگ جلیل بزرگمهر (وکیل تسخیری مصدق در دادگاه نظامی) با همتی والا و جسارتی تحسین‌آمیز، پس از هر ملاقات با مصدق در زندان، در حدی که حافظه‌اش یاری می‌کرده سخنان او را روی کاغذ می‌آورده است و حتی بعضی از آنها را در ملاقات‌های بعدی به‌طور شفاهی برای دکتر مصدق می‌خوانده تا در صورت نیاز اصلاح شود. بزرگمهر در مدت ۲۶ سال این یادداشت‌ها را با تحمل مخاطرات زیاد مخفی کرده و در نهایت برای انتشار در زمان مناسب در اختیار ایرج افشار می‌گذارد. بماند که مصدق خود وکیل عدلیه بود. شادروان اسنادت ناصر کاتوزیان در کتاب خاطرات خود با نام «از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود؟» به حکایت جالبی از انتخابات کانون وکلا می‌پردازد. در این ایام که استاد از دانشگاه اخراج و خانه‌نشین شده بود به دعوت و اصرار دوستداران خود نامزد انتخابات هیئت‌مدیره کانون وکلای دادگستری می‌شود و نام وی در تمام فهرست‌های انتخاباتی قرار می‌گیرد. در شرایطی که ایشان بخت اول موفقیت را داشته‌اند، مجلس دو روز قبل از انتخابات، در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۷۰ طرحی با نام «نحوه اصلاح کانون‌های وکلای دادگستری جمهوری اسلامی ایران» را با سه‌فوریت به تصویب می‌رساند که در همان روز به تأیید شورای نگهبان می‌رسد. در ماده آخر مقرر شده بود «این قانون از تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۷۰ لازم‌الاجرا خواهد بود» (همان روز تصویب و بدون نیاز به انتشار و گذشت مهلت ۱۵روزه). صبح روز انتخابات که وکلا برای رای‌دادن به کانون آمده بودند با درهای بسته، مأموران انتظامی و آگهی توقیف رویه‌ر شدند! به امید روزی که نگاه به حرفه وکالت مهربانانه‌تر شود و وکیل نیز در کنار طبیب و مهندس، روزی در تقویم رسمی کشور داشته باشد.